

ابرهای عجیب در ارتفاع کم در یکی از جزایر کشور نروژ، عکس از خبرگزاری رویترز

تصویری جالب از فیل‌هایی با اندازه‌های متفاوت در باغ وحشی در هلند، عکس از آژانس عکس اروپا



ریختن آب به مخزنی در «دربی شایر» انگلیس

بندگی؛ نردبان تعالی

مرحوم آیتا... بهاء‌الدینی درباره اهمیت بندگی خدا گفته‌اند: «راه رسیدن به مقامات عالی انسانی، که حد نهایت ندارد، در سایه بندگی است. انسان به میزانی که حرکتش الهی شود و خالص گردد، به خدا و اولیای او نزدیک می‌شود. انسان باید از انبیا تبعیت کند و راه آنان را برود تا به کمالاتی که برای او آماده کرده‌اند برسد.»
«نسخه‌های شفابخش»، ص ۲۴

زندگی‌بزرگان

شاگردی که سر کلاس فلسفه می‌خوایید

دکتر غفاری استاد فلسفه و شاگرد استاد مطهری می گوید: در یکی از درس‌های خصوصی فلسفه که مجموع کسانی که در آن شرکت می‌کردند بیش از هفت نفر نبود فردی شرکت می کرد که از همان اوایل درس تا انتهای بحث می‌خواید و این برای ما خیلی ناراحت‌کننده بود. از یک طرف رویمان نمی‌شد که به آن فرد تذکر بدھیم و از طرف دیگر به خاطر این کار او، از استاد مطهری خجالت می‌کشیدیم. چند جلسه به همین روال گذشت تا اینکه بالاخره تصمیم گرفتیم موضوع را با خود استاد مطهری در میان بگذارم. وقتی موضوع را به استاد گفتم ایشان گفتند: کدام آقا را می‌گویید؟! مگر کسی در درس می‌خواید؟! یعنی در طول این چند جلسه آن هم با حضور هفت نفر، استاد مطهری اصلا متوجه این موضوع نشده بودند. جالب اینکه عادت ایشان در هنگام تدریس این بود که سرشان را می‌چرخاند و به همه به طور مساوی نگاه می‌کردند! ایشان در هنگام تدریس به قدری در عمق مطلب فرو می‌رفتند که حواسشان چندان به اطراف نبود و این تمرکز و غور در مطلب برای ما واقعا عجیب بود.

داستان‌های واقعی

خلاقیت برای شناخت هدف!

دوستی داشتیم به نام «حسین مردنی» که شجاعت خاصی داشت. در پشت خاکریز به ردیف کلاه‌های آهنی را سرچوب می‌کرد و خودش ده یا بیست متر آن طرف‌تر می‌ایستاد. وقتی عراقی‌ها شروع به تیراندازی می‌کردند از زاویه‌ای دیگر نگاه می‌کرد و دهانه آتش تیربار آن‌ها را در نظر می‌گرفت و بعد با آرمیجی در دست همان نقطه را هدف می‌گرفت.
برگرفته از کتاب «فرهنگ جبهه»

فتونکته

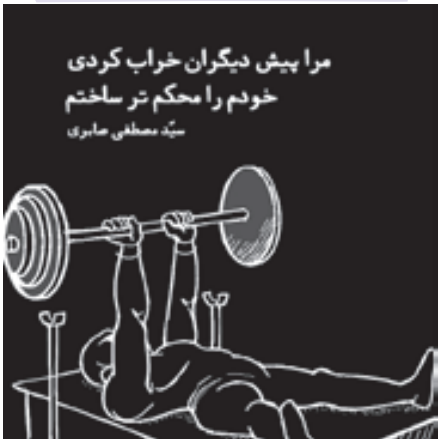


بریده‌ها

دوست داشتنی عمیق

در مُرادآباد وقتی به پدرم گفتم عاشق شده‌ام، هیچ نگفت. وقتی جزئیات روح مهتاب را برای او شرح دادم، هیچ نگفت. وقتی گفتم مهتاب از سوسن، دختر عباس آقا هم قشنگ‌تر است، گفت: «مگر عباس آقا دختر دارد؟!» پدرم هیچ‌وقت عاشق نشد. حتی عاشق مادرم نبود، اما او را دوست می‌داشت. خیلی دوست می‌داشت. وقتی مادرم خانه‌عالیه خانم روضه می‌رفت، پدرم مثل کنجشکی که جوجه‌اش را با گلوله زده باشند، بال‌بال می‌زد. میان اتاق‌ها قدم می‌زد و کلافه بود تا مادرم برگردد.
چند روایت معتر، مصطفی مستور

کاریکلماتور



اندکی صبر

بدون تو

این لحظه‌ها قیامت عظمای چیستند؟ چون آیه‌های واقعه هستند و نیستند این لحظه‌ها که بی‌تو سراسیمه می‌دوند ای کاش این دقایق آخر بایستند یا لااقل برای کسی بازگو کنند چشمان بی‌قرار که را می‌گریستند این چرخ چرخ‌های مداوم برای کیست؟ تب‌دار می‌وزند، مگر شعله زیستند؟ تب‌دار می‌وزند، سراسیمه می‌دوند در جستجوی روشن چشمان کیستند؟ یک روز سرد؛ جمعی دیگر بدون تو ای کاش این دقایق بی‌تو بایستند

مریم سقلاطونی

دور دنیا

در آغوش کشیدن پاندا، شغلی پردرآمد در چین

بوردپاندا! یکی از جالب‌ترین شغل‌های دنیا، محافظت از پانداها در منطقه‌ای محافظت‌شده در چین است. کسانی که این مسئولیت را به عهده می‌گیرند، فقط کافی است در تمامی سال، از نظر عاطفی در کنار این حیوانات دوست‌داشتنی بمانند و هر روز آن‌ها را در آغوش بگیرند و به آن‌ها محبت کنند! درآمد این کار ماهیانه ۳۲ هزار دلار است!



مرد آهنی!

آدیتی سنترال / «وابان» مرد اندونزیایی یک دستگاه روباتیک برای خودش طراحی کرده است که ادعا می‌کند، می‌تواند نرون‌های عصبی مغزش را دریافت کند و به دست فلج‌شده‌اش دستور بدهد. پس از حادثه‌ای که به فلج شدن یکی از دستاش منجر شد، او تصمیم گرفت با اطلاعات اندک مکانیکی که در دبیرستان یاد گرفته بود این روبات را بسازد.



عشق عجیب به پیترز!

اسکای نیوز / «فیل دوکان» مرد ۲۸ ساله انگلیسی این روزها در سفری به دور دنیا، رویای عجیب و اشتیاق بی‌پایانش به خوردن پیترز را دنبال می‌کند! او از کویر تا دریا، از دره‌ها تا کوه‌ها را همراه با تنها عشق حقیقی خودش یعنی پیترز سفر می‌کند! هدف او از این سفر، امتحان کردن طعم پیترزای کشورهای مختلف دنیاست!



طنزی تازه

کژتابی ساعتی

با مرد محترمی که از ایرانیان مقیم خارج بود و برای صله رجم و دیدن پیشرفت‌های چند دهه اخیر ایران به تهران آمده بود، قرار ملاقاتی گذاشتیم. گفتیم: «بین سه و نیم تا چهار منتظر تان هستم.» چنتمن آداب‌دان رأسی ساعت سه و نیم در زد و سلام و احوال‌پرسی و چاق – سلامتی... بحث می‌رفت که گل بیندازد که دیدیم ایشان ناگهان، هم به ساعت روبرویش و هم به ساعت مچی‌اش نگاه کرد و عینک و تسبیح و وسایلش را جمع کرد و گفت: «خب دیگه، باید مرخص بشیم.» حیران شدم! گفتم: «جناب! شما که تازه تشریف آورده‌اید، این چه عجله‌ای است؟!» گفت: «وا... خودتان توی تلفن فرمودید بین سه و نیم تا چهار شرفیاب شوم!» قاه‌قاه خندیدم و فهمیدم که کژتابی زبان دسته‌گل به آب و آب به دسته‌گل داده است. برگرفته از کتاب «کژتابی‌های ذهن و زبان» اثر بهاء‌الدین خرشامی

آزمون هوش

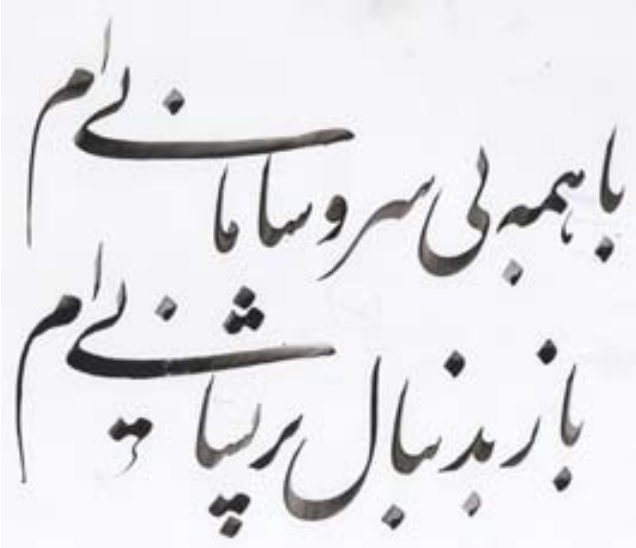
رمز گاو صندوق چیست

زدی وارد مغازه می‌شود و با تهدید کردن فروشنده، او را مجبور به باز کردن گاوصندوق می‌کند. فروشنده می‌گوید: «رمز گاو صندوق، هر روز متفاوت است و اگر به من صدمه برنی هیچ‌وقت رمز را نخواهی فهمید.» اما دزد موفق می‌شود خودش رمز را حدس بزند. چگونه این کار را کرد؟

قلمرو

اسماعیل فریدونی – یکی از امتیازات شعر و هنر این است که وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، در چشم بیننده زیبایی دوچندان ایجاد می‌کنند. بیت زیر به خاطر توازن دو مصرع به ویژه در دو کلمه «سامانی‌ام» و «پیشانی‌ام» که با خط زیبای نستعلیق نوشته شده، بیننده را به سوی کمال برده و در نتیجه تأثیر شعر و ذوق یادگیری آن بیشتر می‌شود.

خط: سید محمدرضا حسینی



دی‌روزنامه

نترس، بیا غلنت رو بزن!

حالا که فدراسیون فوتبال عربستان شمشیر را از رو بسته و با بهانه‌های آبکی در کار ما موش می‌دواند و می‌خواهد ایران را از میزبانی رقابت‌های لیگ قهرمانان آسیا حذف کند، بد نیست ما هم دست‌پیش را بگیریم تا پس نیفتیم. در اولین قدم، آقای کفاشیان باید به مشهد آمده و چند کیلو زعفران بخرد. سپس نصف آن را بسته‌بندی کرده و به عنوان سوغات ببرد کنفدراسیون آسیا، نصف دیگرش را هم در آب حل کند و بخورد تا بتواند با تمام وجود آن خنده‌های معروفش را در برابر مستولان AFC به‌نمایش گذاشته و دلشان را به‌دست آورد. اگر این‌ترفند کار ساز نبود و نتیجه عکس داد، می‌توان از جناب مایلی کهن استفاده کرد. به این صورت که فدراسیون فوتبال ایشان را به عنوان کارشناس به کنفدراسیون آسیا بفرستد تا با تمام‌توان درافشاگری، حق‌مان را از شان بگیرد. اگر زیر بار زور حاجی مایلی نرفتند، استاد می‌تواند با ارائه یک سخنرانی جانگذا و یک گریه جگرسوز، کارش را پیش ببرد. اگر این روش هم افاقه نکرد، می‌شود با یک تغییر جزئی در سیستم زمین چمن ورزشگاه آزادی، کاری کنیم که بازیکنان عربستانی با کمال میل بایبند این‌جا بازی کنند. به این صورت که کف زمین را سرتاسر با تشک کشتی و تاتامی و خوشخواب بپوشانیم. این‌طوری بازیکنان عربستان که علاقه زیادی به دراز کشیدن و غلت زدن روی زمین و وقت‌گذرانی دارند، با رضایت کامل خودشان بلیت می‌گیرند و با سر به ایران می‌آیند. اگر این هم جواب نداد، نهایتش این است که کار را به قضا و قدر واگذار کنیم. دیگر از باخت و هیچ به زاین که مفتضاحانه‌تر نمی‌بازیم و چیزی از ارزش‌هایمان کم نمی‌شود! علیرضا کاردار

ماوشما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

«از گزارشگری که از زندگی قشر ضعیف جامعه، گزارش تهیه کرده بود تشکر می‌کنم. واقعا از خودم خجالت کشیدم که به عنوان یک انسان که توان کمک به هموع خودم رو دارم، تا الان بی‌تفاوت بودم. «انصافا خبر «مسافران» از جنس ارواح» توی ستون «دور دنیا» از همه «ترسانک»‌هایی که تا حالا چاپ کردین، ترسانک‌تر بود! من از نگهبانان یگان حفاظت میراث فرهنگی هستم. شب جمعه از این نعمت‌الهی یعنی برف تا صبح لذت بردم. «در صورت امکان درباره نماز و مسجد هم در «زندگی سلام» مطالبی درج کنید. «صابری جون! توی روزنامه «خراسان» انحصار «کاریکلماتور» فقط در دست‌تو است! این قدر دیکتاتور نباش، خوب نیست! «واسه چی «خفن استرپ» ما همه‌اش از هفت حرف تشکیل شده؟! سیداحمد سلیماتی ، گلپهار **ماوشما:** توی «خفن استرپ» شماره ۵۰، اتفاقی بوده، چون اگه دقت کرده باشین معمولا تعداد حروف‌شون برابر نیست. «می‌خوام از همسر عزیزم که در تمام مراحل زندگی در کنارم بوده، تشکر فراوان کنم.

سیدعلی‌مرزایی، روستای نویباد شهرستان سرخس « انگلیش‌آموزی» خیلی جالب و آموزنده است. به نظر شما کلماتی که توی جمله است، از کلمات جدیدی که ارائه می‌دید، سخت‌تر نیست؟! «حمید عزیزم! بابت تمام تلاشی که برای ساختن زندگی‌مون می‌کنی، ماشاالله ارت ممنونم.

زهرا سهیلی ، مشهد « آقای مجید حسین‌زاده همیشه به موضوعات خوبی می‌پردازند که واقعا قابل تأمل هستند. علاقه‌مندم ایشان بیشتر قلم‌بزنند. «خفن استرپ» آن قدر اعتیادآور است که تا حلتش نکنی، سراغ صفحات دیگر روزنامه نمی‌روی! امیدوارم مثل برنامه خوب «صبح جمعه» رادیو که جا و مکانشان را گرفتند، این چهار صفحه «زندگی سلام» حذف نشود. «خدا قوت به همه کارگران از جمله پدرم، بشیر. دستِ پینه‌خورده همه‌شون رو می‌بوسم...

« از مردم عزیز خواهش می‌کنم واسه سلامتی مادر خانمم دعا کنن. بابای برپدا، قوچان « باید از روزنامه «خراسان» به خاطر گزارش کارگران سر گذر تشکر کنم. لطفا از این گزارش‌ها بیشتر چاپ کنید. ضعیف‌ترین قشر جامعه کارگران ساختمان هستند که نه بیمه دارند و نه حقوق ثابت.



تصویرسازی: سیدعلی مرزایی